

نقش فرهنگ و هنر در شهر خلاق (مورد مطالعه: شهرهای ونکوور و تورنتو)

محمد نوری کاردرا^۱، حامد رحیمی^۲، سمیه فتحی^۳

^۱ کارشناس ارشد رشته ی برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

^۲ دانشجوی دکترا رشته ی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۳ دانشجوی دکترا رشته ی شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

فرهنگ و هنر، شکل، ساخت و ریخت شناسی یک شهر خلاق را به وجود می آورند و فرهنگ های متفاوت، هنر های متفاوتی را خلق می کنند. رابطه میان فرهنگ و هنر با شهر خلاق بدین صورت است که فرهنگ یک جامعه نوع هنر و هنر آن جامعه نوع خلاقیت و تکنیک و نوع تکنیک و خلاقیت، ساخت و نظام کالبدی آن شهر را مشخص می سازد. شبکه شهر خلاق یونسکو در سال ۲۰۰۴ میلادی برای ارتقای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرهای جهان آغاز به کار کرده است که مبنای کار آن میراث فرهنگی و هنری و خلاقیت های هر شهر می باشد. یونسکو هفت زمینه اولویت های شهر های خلاق را، ادبیات، موسیقی، مهارت و هنر فولک، سینما، هنرهای رسانه ای، تغذیه و طراحی عنوان کرده است. همچنین شهر خلاق از چهار بعد قابل بررسی است: زیر ساختهای فرهنگی و هنری، ترویج فرهنگ خلاقیت، حضور طبقه خلاق و اقتصاد خلاق. در ادامه مقاله دو شهر خلاق تورنتو و ونکوور کانادا از نظر فرهنگی و هنری مورد بررسی قرار گرفته اند و کلیه برنامه ها، طرح ها، سیاستها، چالش ها، راهبردها و فعالیت های صورت گرفته توسط مدیران محلی و شهری و همچنین شهروندان جهت تبدیل این شهر ها به شهری خلاق و پویا و پایتخت فرهنگ و هنر در سطح بین المللی، بحث شده است. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه ای و بررسی متون تخصصی بوده و بیشترین منابع استفاده شده، کتاب ها و مجلات تخصصی و طرح های مربوط به موضوع و شبکه های ارتباطی جهانی می باشد.

واژه های کلیدی: خلاق، فرهنگ، هنر، شهر.

مقدمه:

فرهنگ و هنر شهروندی همواره در طول تاریخ از طرف متفکران و صاحب نظران علاقمند به مسائل اجتماعی که تمدن و پیشرفت جوامع بشری را در استقرار آن فرهنگ و هنر در شهر می دانند، از ادوار باستان تا کنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است. در دوره های مختلف تاریخی با فرهنگ های متفاوت، ساخت های متفاوتی از فضاهای خلاق شهری مشاهده می شود. به ویژه تفاوت در شکل و معماری و ساخت شهرکه هر کدام در زمان خود فضا ها و بنا ها و در نتیجه شهرهای خلاق متفاوتی به وجود آورد. پس به نظر می رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در ساخت شهرهای خلاق در هر برهه ای، فرهنگ است. شهر زمانی خلاق خواهد بود که شهر وندان دارای حس مسئولیت پذیری و فرهنگ مشارکت بوده و رعایت حقوق شهروندی و قوانین را در حد مطلوب بنمایند. در حقیقت مطلوب نبودن میزان مشارکت شهروندان در امور مختلف اجتماعی سیاسی را می توان در نتیجه بی اعتمادی اجتماعی و یا بی تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ سازی مناسب در حوزه مشارکت دانست. همچنین عدم شفافیت قوانین و امکان تفسیرهای گوناگون از قوانین و وجود انواع فسادهای اداری از عوامل جدی پائین بودن این بعد شهروندی است.

شهر یک اثر هنری بزرگ است که آفریننده گانی به وسعت خود و به تعداد جمعیتش دارد. در حقیقت هدف غایی یک شهر خلاق ایجاد محیطی خلاق برای مردمی است که در آن زندگی می کنند. چنین محیطی با گوناگونی بسیار، آزادی انتخاب به افراد می دهد و زمینه ی خلاقیت را فراهم می آورد. بسیاری از ما در شهرها زندگی می کنیم، ولی هنگامی که با کمی دقت به اطراف خود نگاه می کنیم، در می یابیم شهرها تنها نازیبایی ها را به نمایش گذاشته اند. حال این سؤالات در ذهن ما شکل می گیرد که به چه دلیل یک شهر جذابیت بیشتری نسبت به شهری با امکانات مشابه دارد؟ چرا مردم گاهی زیباسازی شهرها را با چراغانی کردن و مصرف بی رویه ی برق مترادف می دانند؟ پاسخ روشن است چون که کاری برای ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ مردم انجام نشده است. برای اینکه فرصتی برای بیان و ظهور هنر و خلاقیت انسان ها در شهرها در نظر گرفته نشده است.

مفهوم و ویژگی شهر خلاق^۱:

از ویژگی های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود به خصوص برای نسل جوان، مکانی جذاب برای گردشگران صنعت توریسم، توانمند در شکوفایی بخش های مختلف اقتصادی از راه به کارگیری فناوری و مدیریت صحیح آن و همچنین مرکز جذب بنگاه های مختلف اقتصادی نوظهور می باشد. شهر خلاق جایی است که احترام هنر، به دلیل اهمیت زیبایی شناختی آن و تواناییش برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت به هر شکلی مورد تشویق قرار می گیرد، افراد می توانند در زندگی روزمره خود از فعالیت های خلاق بهره ببرند، هنرها به عنوان یکی از ضرورت های آموزشی مطرح هستند و خلاقیت به عنوان مهارتی قیمتی در عصر اطلاعات شناخته می شود و هنرها نه تنها به دلیل نقش مهمشان در اقتصاد، بلکه به دلیل منافع روحی، عقلانی و اجتماعی خود با ارزش محسوب می شوند. شهر خلاق بر تولیدات فرهنگی نیز تاکید دارد، یعنی تولید کالا و خدمات فرهنگی با فعالیت هایی در ارتباط قرار می گیرند که مرکز خلاقیت به شمار می آیند. مفهوم شهرهای خلاق با بسیاری از مفاهیم دیگر در ارتباط است، از جمله می توان به فعالیت های فرهنگی، صنایع خلاق، صنایع فرهنگی، فعالیت های هنری، اشاره کرد (کاستا و همکاران^۲، ۲۰۰۷). شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت ها است. شهر خلاق منزلی برای خلاقیت های هنری، نوآوری های علمی و فناورانه و صدای رسای فرهنگ های رو به رشد است. شهری که همه پتانسیل های خلاق خود را جامه ی عمل می پوشاند و پرچم دار فعالیت های فرهنگی و توسعه ای است. شهر خلاق، یک شهر نیرومند از

^۱ Creative City^۲ costa & et al

لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود، اطمینان خاطر دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

مروری بر تاریخچه شهر خلاق:

اولین بار در "دبور"^۱ در سال ۱۹۶۷ میلادی مبحثی با عنوان شهرتاشایی یا شهر نمایش مطرح کرد. نظر او ظهور پیش از موعد ایده ی تلفیق فضای اقتصادی و فرهنگی در مقیاس انسانی به ویژه در موضوعاتی نظیر فضاهای مولد جدید، مجموعه های فرهنگی و به نمایش در آوردن محیط های بصری که در مادر شهرهای اصلی سراسر جهان بسیارند می باشد (جی اسکات^۲، ۲۰۰۶). اولین کسی که بحث مناطق و شهرهای خلاق را مطرح کرد، ریچارد فلورید^۳ است. او در سال ۲۰۰۲ میلادی اولین کتاب خود را با عنوان "طبقه خلاق"^۴ و پس از آن در سال ۲۰۰۵ میلادی کتاب دیگری را برای تقویت موضوعش منتشر کرد. در سال ۲۰۰۷ میلادی نیز "آلن اسکات"^۵ با استفاده از ادبیاتی که ریچارد فلوریدا مطرح کرده بود، مباحثی را در ارتباط با شهرها و مناطق خلاق مطرح می کند. نظرات او بیشتر پیرامون این مباحث بود که چگونه می توانیم مزیت های رقابتی و ظرفیت های موجود در شهرها را به سمت خلاقیت بیشتر پیش ببریم. آیا این امکان وجود دارد؟ حالا که فهمیدیم مزیت های رقابتی و ظرفیت های خلاقیت را در یک شهر و یا منطقه چیست، چگونه با استفاده از سیاست گذاری های منطقه ای آنها را تقویت کنیم؟

شبکه شهر خلاق یونسکو در سال ۲۰۰۴ برای ارتقای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرهای جهان آغاز به کار کرده است که مبنای کار آن میراث فرهنگی و خلاقیت های هر شهر می باشد. شهرهای عضو، ضمن ارتقای چشم انداز خلاق محلی خود، به مأموریت یونسکو برای ایجاد تنوع فرهنگی کمک می کنند. اعضای شبکه شهرهای خلاق یونسکو به هفت رشته مختلف طراحی، ادبیات، موسیقی، فیلم، صنایع دستی و هنرهای قومی، هنرهای رسانه ای و هنر آشپزی دسته بندی شده اند (<http://www.koreatimes.com>).

رابطه فرهنگ و شهر خلاق:

سیستم فرهنگی یک شهر خلاق متشکل از انبوهی از تجار آنها، سازمانها، خلاقیت ها، مراسم و فستیوالها است که مستعد کارآفرینی و خلاقیت هاست و شهر را قادر می سازد تا استعدادهای خود را در جهت ارتباط مردم، ایده ها و تشکل ها به کار ببندد. یک شهر خلاق باعث حرکت و جنبش همسایگان حومه خود شده و در فرآیند نمو خلاقیت آنها را نیز با خود همراه می کند. در واقع این همسایگان پایه های تشکل های پایدار شهر خلاق هستند. فرهنگ، عضو ی بسیار مهم در کیفیت زندگی شهروندان یک شهر خلاق است؛ چرا که علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، عاملی برای جذب توریست و بالا بردن ارزش اقتصادی در زنجیره اقتصادی شهر است. آنچه که در این میان مهم است، این که شهر خلاق بسیار به دیدگاه های مختلف اقتصادی و اجتماعی وابسته است و مفهوم مطلق نیست. در واقع با توجه به نوع ایده آل ها و فرهنگ است که مفهوم شهر خلاق مطرح می شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

عواملی نظیر فرهنگ و هنر، شکل، ساخت و ریخت شناسی یک شهر خلاق را به وجود می آورند. فرهنگ های متفاوت، هنر های متفاوتی را خلق می کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را هم دارند، چون درک کامل یک ساختار و یک نظام بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی هنری آن نظام میسر نیست، به ویژه می توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع

¹ Debord

² j. scott

³ Florida, Richard

⁴ Creative Class

⁵ Scott

هنر و هنر آن جامعه نوع خلاقیت و تکنیک و نوع تکنیک و خلاقیت، ساخت و نظام کالبدی آن شهر را مشخص می سازد. به عنوان مثال فرهنگ اسلام و غرب که دارای فرهنگ متفاوت از یکدیگرند، ساخت شهری متفاوتی را خلق کرده اند.

اصول و ویژگیهای شهر خلاق:

از جمله ویژگیهای عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود (به خصوص برای نسل جوان)، مکانی جذاب برای گردشگران (صنعت توریسم)، توانمند در شکوفایی بخش های مختلف اقتصادی (از راه بکارگیری تکنولوژی و مدیریت صحیح آن) و همچنین مرکز جذب بنگاهای مختلف باشد (ابراهیمی، ۱۳۷۸).

یونسکو هفت زمینه اولویت های شهر های خلاق را چنین توضیح داده شده است:

ادبیات: تعدادی از مولفه های شهر های این دسته عبارتند از: کمیت و کیفیت نشریات و انتشارات، طرح های آموزشی که بر ادبیات بومی یا خارجی در دروس دبستان تا آموزش عالی کار می کند. محیط شهری که در آن ادبیات، درام و اشعار نقش واحدی را بازی می کنند و ...

سینما: شهر های این دسته نیز ویژگی هایی همچون دارا بودن زیر ساخت های سینمایی، زمینه تاریخی تولیدات، توزیع و تجارت فیلم، سابقه برگزاری فستیوال ها جشنواره ها و دیگر وقایع مرتبط با این موضوعات و مراکز یا مدارس تربیتی سینمایی و... می باشند.

موسیقی: دارا بودن مراکز موسیقی، میزبانی فستیوال ها و مراسمات ملی و بین المللی، وجود صنایع مربوط به موسیقی، مدارس، همایش ها و مراکز آموزش عالی در زمینه موسیقی از جمله ویژگی های شهر های این دسته می باشد.

مهارت و هنر فولک: زمینه هایی که این ویژگی در آن شناسایی می شود عبارتند از: پیشینه طولانی در فورم خاصی از مهارت و هنر فولک و دارای تولیدات معاصر در این زمینه بودن، مراکز تربیتی مرتبط با این موضوع و تلاش برای حفظ این زمینه ها از طریق فستیوال ها، نمایشگاه ها یا بازارچه ها و ...

طراحی: مولفه های این زمینه: ایجاد صنایع طراحی، مناظر و چشم اندازهای فرهنگی که بوسیله طراحی و محیط های انسان ساخت تغذیه می شوند (به عنوان نمونه: معماری، برنامه ریزی شهری، محیط عمومی، مجسمه ها، حمل و نقل، سیستم های اطلاعات و ...) طراحی مدارس و مراکز تحقیقاتی، فرصت استفاده طراحان محلی و برنامه ریزان شهری از مصالح بوم سازگار و شرایط بومی و محلی را فراهم می آورد.

هنرهای رسانه ای: شهرهای این دسته هم می توانند دارای توسعه فرهنگی و صنایع خلاق از طریق بکارگیری تکنولوژی دیجیتال، هنرهای رسانه ای موفق که منجر به بهبود زندگی شهری شود، رشد گونه های هنر الکترونیک که در جستجوی جامعه شهری هستند، دسترسی بیشتر به فرهنگ از طریق توسعه تکنولوژی دیجیتال، برنامه های مداوم و دیگر فضاهای استودیو برای هنرمندان رسانه نیز از دیگر ویژگی های این دسته اند.

تغذیه: توسعه فعالیت های رستوران داری که به عنوان ویژگی مرکز شهر یا ناحیه ای در آمده است، تعداد قابل توجهی از رستوران های سنتی و سرآشپه ها، مغازه های فروش اغذیه سنتی و صنایع غذایی سنتی، میزبان سنتی فستیوال ها، جوایز و مسابقات بودن و ... از جمله معیارهای انتخاب برای زمینه تغذیه اند (یونسکو^۱، ۲۰۰۷).

نظریه دانشمندان:

نایت: نایت منابعی را مطرح می کند که به نو آوری در شهر کمک می کند، وی در مطالعه ای که در مورد توسعه دانش محور برای ۲۰ شهر اروپایی انجام داده به ۶ نوع از منابع دانش اشاره می کند. نایت معتقد است برای اینکه شهر نو آور باشد باید منابع خاصی در اختیار داشته باشد. وی یکی از مهمترین این منابع را خلاقیت در فرهنگ و هنر میدانند. از دیدگاه وی منابع

^۱ UNESCO

دانش برای نوآوری در یک شهر بر اساس مطالعه مذکور عبارتند از: علم و فن آوری، بازرگانی، مدیریت و هماهنگی، تولید دانش عملی، بانکداری، فرهنگ و هنر و خلاقیت در آنها (نایت^۱، ۲۰۰۵). به طور کلی نایت معتقد است که منابع دانش برای نوآوری در یک شهر ریشه هنری و فرهنگی دارد.

کوبین لینچ: شهر واقعیتی پیچیده و چند جانبه است و همواره مقولات و موضوعات متعددی را جهت مطالعه و تحقیق پیرامون خود گرد آورده است. شهر را می توان نوعی سازمان یافتگی در فضا دانست که بستر مناسبی جهت فرهنگ سازی است. فرهنگ از جمله مهمترین حلقه های ارتباطی میان انسان و شهر است. شهر بدون فرهنگ شهری بدون هویت است، غنای فرهنگی سبب می شود که هنجارهای فردی با فرهنگ شهری آشنا شده و متعادل و معنادار گردد. فرهنگ را می توان مجموعه ای از پدیده های مادی و معنایی عمدتاً اکتسابی که در مقطعی خاص در جامعه ای خاص رایج هستند و عموماً از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند تعریف کرد. کوبین لینچ نظریه پرداز در زمینه ی معماری و شهر سازی همواره تاکید فراوانی بر عوامل فرهنگی در نظریات خویش داشته است، آنگونه که هال می گوید: "معماری ظرف زندگی انسان است، ظرفی که انسان با بهره گیری از خرد، اندیشه و فرهنگ خود آن را می آفریند" (هال، ۱۳۶۳، ۴۲). از نظر لینچ شهری خوب و خلاق است که "تداوم فرهنگی را ارتقاء بخشیده، به بقا و پایداری افراد آن کمک نماید، بر حس ارتباط در زمان و فضا بیفزاید و زمینه ی رشد فردی را فراهم و یا آن را تشدید کند" (لینچ، ۱۳۸۱، ۱۵۰).

لوکوربوزیه: هیچ یک از معماران معاصر تاثیری قابل مقایسه با لوکوربوزیه در شکل دادن به معماری مدرن نداشته است و این تاثیر نه فقط به دلیل خلاقیت هنری لوکوربوزیه به مثابه یک نقاش، یک مجسمه ساز، یک طراح و یک معمار، بلکه به دلیل سهم عظیم وی به مثابه یک روشنفکر و یک نویسنده پرتوان بود که می توانست پنداره های هنری خود را نه فقط در شکل تجسمی، بلکه به صورت افکاری روشن به بیان ادبی درآورد و از آن طریق بر گروهی از مخاطبان که در حوزه ای بسیار گسترده تر از معماری قرار می گرفتند، منتقل کند. لوکوربوزیه، مهمترین فضیلت معماری مدرن را در سادگی و کاربردی شدن آن می دانست. او این امر را از واحد مسکونی به شهر تعمیم می داد. مسئله لوکوربوزیه در واقع آن بود که میان زندگی فردی و زندگی جمعی سازشی به وجود آورد که آن را در طراحی شهرک های مسکونی خود متبلور ساخت، جایی که یک واحد مسکونی در واقع جزئی از یک کل بزرگ و هماهنگ بود (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۰۵). لوکوربوزیه یک کارکردباور بود که توجه به سنت و تقلید از گذشته را تقبیح کرده و آن را صحنه پردازی تشریفاتی می دانست و به خلاقیت در شهر تاکید داشت. به زعم وی «شهرسازی ما هنوز نوزادی بیش نیست و بیشتر به گذشته، موزه شناسی و تقلید پرداخته و نگران آفرینش صحنه ای به مانند زینت و پوشش مناطق، اعم از شهر و روستا بوده است، پوشش و لباسی که نقش و فایده ای نداشته و تنها تشریفاتی است.» (لوکوربوزیه، ۱۳۵۴، ۱۲)؛ بنابراین می باید به عقلایی کردن شهرسازی پرداخت و این از عهده ی هیچ کس جز معمار نوگرا برنمی آید (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۳۷۵).

آنتونی گیدنز: به تعبیر آنتونی گیدنز «فرهنگ عبارت است از ارزشهایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند و کالاهای مادی که تولید می کنند» (گیدنز، ۱۳۸۹، ۵۵). به عبارتی فرهنگ شیوه زندگی اعضای یک جامعه است؛ «مجموعه پدیده های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه که به آن جامعه شخصیت و هدایت بخشیده و به همین دلیل نیز جامعه تلاش می کند از طریق سازوکارهایی با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر دست به بازتولید خود بزند» (فکوهی، ۱۳۹۰، ۲۸۶). هر جامعه ای برای انتقال و بازتولید معانی فرهنگی خویش از عناصری بهره می گیرد که تحت عنوان فرهنگ مادی آن جامعه بازشناخته می شوند؛ این عناصر مادی شامل مکان ها و بناهای شهری نیز می شوند که پس از رفع نیازهای اساسی جامعه، حائز ویژگی های نمادینی نیز هستند. برای مثال ساخت مسکن در گام نخست نیاز افراد جامعه به سرپناه را رفع کرده و شیوه ساخت آن حاکی از جنبه های دیگری از فرهنگ آن ها است؛ و یا «در شهرهای قدیمی، کلیسا یا معبد اصلی معمولاً بر روی زمین بلندی در مرکز شهر یا نزدیک به آن قرار داشت که نشانه ای بود از نفوذ بسیار نیرومندی که گمان می

¹ knight

رفت مذهب بر زندگی مردم داشته است» (گیدنز، ۱۳۸۹، ۶۶). در عصر جهانی شدن و پدیدار شدن تنوع و تکثر فرهنگی در شهرها، گسترده‌گی رابطه میان فرهنگ‌های خرد با شهر و فضای آن نمود بیشتری می‌یابد. گیدنز به نقل از کلود فیشر شهرهای بزرگ را با رواج خرده فرهنگ‌های گوناگون توصیف می‌کند؛ تنوعی که شهرهای کوچک و روستاها به آن اجازه بروز نمی‌دهند (همان، ۶۱۰).

لزوم توجه به هنر در فضای شهری خلاق:

شهرها پدیده‌ای جدا نشدنی از زندگی انسان می‌باشند. در چنین محیط پیچیده‌ای که در اثر ساخت و ساز و دخل و تصرف انسانی بوجود می‌آید، عوامل محیطی و فرهنگی و... از ضروری‌ترین عواملی هستند که ارتباط انسان و محیط طبیعی را برقرار ساخته و نیازهای او را برای بهره‌گیری از محیط فراهم می‌نمایند. توجه به سیمای شهر و کوشش در شناسایی و بوجود آوردن آن از جمله یکی از مهمترین مشکلات شهرهای امروز است. مبلمان شهری و به تبع آن نمادها و المان‌های بکار رفته در میداين و خیابان‌های شهر، از جمله اجزای ضروری و جدایی‌ناپذیر سیما و منظر شهر به شمار می‌روند. چنانچه این عناصر با در نظر گرفتن فاکتورهای فرهنگی و محیطی جوامع شهری طراحی شوند، می‌توانند علاوه بر کارکرد اصلی خود، موجب حفظ هویت محیط‌های شهری شوند و به شهر انسجام و یکپارچگی بخشند. سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان به زیباسازی فضاهای شهری پرداخت؟ و در جبران آشفتگی‌های بصری فضاهای شهر، هنر و مجسمه‌های شهری، چه نقشی را می‌تواند ایفا نماید؟

یکی از راه‌های ایجاد شهر خلاق که می‌تواند تا حدود زیادی به شهر روح و نشاط ببخشد، ورود هنر به فضاهای شهری است. تجهیزات و مبلمان شهری بویژه انواع نمادها و المان‌های بکار رفته در این فضاها، می‌تواند علاوه بر کاربرد آن در ایجاد فضایی متفاوت، زیبا و چشم‌نواز موثر باشد. هنر مجسمه‌سازی، گرافیک و المان مناسب شهری یکی از عوامل افزایش حضور افراد پیاده در شهر و در نتیجه ارتباط بیشتر مردم در محیط خود و جامعه است و سبب ایجاد سلامت روانی و آرامش شهروندان نیز خواهد شد. هنر و خلاقیت‌های شهری مانند مجسمه‌ها و المان‌های شهری از جمله عناصر سازنده فضای شهر محسوب می‌شوند که کیفیت، زیبایی، راحتی، دوام و محل استقرار آن نقش اساسی در دستیابی به شهری زیبا و خلاق دارد، لذا دستیابی به چنین هدفی منوط به دقت و حوصله در طراحی و برنامه‌ریزی است. از سوی دیگر توجه به تناسبات انسانی در هنر های شهری و توجه به شرایط اقلیمی و مصالح بومی نیز از ضروریات طراحی محسوب می‌شود. مکانیابی محل استقرار، توالی و تواتر چیدمان آن نیز در کیفیت بصری فضا تأثیر مثبتی برجای می‌گذارد. همچنین استفاده از عناصر و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در آنها جهت ایجاد شهری خلاق بسیار مهم و حیاتی است.

نقش فرهنگ و هنر در ارتقای کیفی زندگی شهری:

هنر در شهر به عنوان یکی از ضرورت‌های آموزشی مطرح است و خلاقیت به عنوان یک مهارت ارزشمند در عصر اطلاعات به رسمیت شناخته می‌شود و هنر نه تنها به دلیل نقش مهمش در اقتصاد بلکه به علت منافع معنوی، فکری و اجتماعی خود با ارزش محسوب می‌شود (داکسبری، ۱۳۸۹، ۷۶). در روزگار ما، شهرها و بویژه شهرهای بزرگ به کانون‌های ازدحام و تراکم حداکثر فضای کالبدی و جمعیت شهره‌اند. این تراکم فزاینده پیامدهایی اجتناب‌ناپذیر دارد. هرچند در این مختصر نمی‌توان به پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تراکم در محیط‌های شهری پرداخت، ولی قدر مسلم همه واقفند که موجود انسانی در فضای زندگی شهری دچار معضلات عدیده‌ای است، از جمله این مسایل و چالش‌ها عبارتند از: آلودگی هوا، آلودگی صوتی، جرم و بزهکاری و انواع کجروی‌های اجتماعی، علاوه بر این زندگی شهری به لحاظ اقتصادی با دشواری‌هایی از قبیل گرانی مسکن و معیشت، بیکاری و تورم و چندین نوع مسئله و موانع دیگر مواجه است. حال پرسش این است که در میان انبوه مسایل، چه ساز و کاری برای کاهش پیامدهای پیش‌گفته قابل تصور است؟ نقش فرهنگ و هنر در ارتقای کیفیت زندگی شهری در این راستا معنا می‌شود. در یک کلام فرهنگ و هنر هریک و یا توأمان نقش تعدیل‌کننده دارند. فرهنگ ما را در

درک زندگی شهری، روش غلبه بر معضلات و چگونگی پیوند با هم‌نوعان (همه شهروندان) و نحوه ارتباط با محیط شهری یاری می‌دهد و هنر نیز، بویژه نقش تلطیف‌کننده دارد. ما انسانها از طبیعت دور افتاده ایم و در شهر و در نوعی "غربت" زندگی می‌کنیم، در این شرایط هنر به یاری مان می‌آید و روان ما را به فراسوی شهر و به پرورشگاه واقعی مان - طبیعت - نزدیکتر می‌کند. در زندگی شهری مدرن با همه تنگناها و چشم اندازهای خوب و بد آن، فرهنگ به ما قدرت تفاهم و تعامل سازنده می‌دهد و هنر به ما یادآوری می‌کند که چگونه باید "دوست داشته باشیم" و با قدرت تخیل، تصور و تصویر، زیباییها را تولید و باز تولید کنیم. هنر شهری یعنی زیبا کردن شهر نه تنها به لحاظ تصویری که به لحاظ مفهومی. این یعنی زنده و پویا نگاه داشتن داوطلبانه شهر؛ یعنی به حرف در آوردن دیوارهای خاکستری و باید توجه داشت که این به معنی شعار نویسی و پوستری چسبانی تبلیغاتی یا غیره نیست. هنر شهری هنری است که به انسان می‌اندیشد نه به پول و دیوارهای سفید موزه‌ها و حراجی‌های پر ذرق و برق. این بدون شک تأثیرات مثبتی روی جامعه و به خصوص در ذهن جوانان و در نتیجه آینده جامعه خواهد داشت. چه از نقطه نظر فرهنگی و درک بصری جامعه و چه از نظر شخصیت بخشی به مناطق شهری.

نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای شهری خلاق:

فضاهای عمومی در شهر خلاق زنده و پویا بوده و دارای فرهنگی متنوع و هویت و شخصیت می‌باشند. این فضاها بایستی به گونه‌ای باشند که افراد با ویژگی‌های مختلف سنی، جنسی و فرهنگی بتوانند با حضور در آنها خواسته‌های خود را محقق ساخته و فعالیتهای متنوع مورد نیازشان را برآورده نمایند. این فضاهای عمومی صرف نظر از اینکه بایستی شهرتی جهانی و یا محلی داشته باشد، به عنوان مکان ملاقات مردم، نمایانگر فرهنگ و هویت یک جامعه بوده و متقابلاً در هویت بخشی بدان نیز مؤثر است. فضای عمومی صرف نظر از اینکه بایستی شهرتی جهانی و یا محلی داشته باشد، به عنوان مکان ملاقات مردم، نمایانگر هویت یک جامعه بوده و متقابلاً در هویت بخشی بدان نیز مؤثر است. فضاهای عمومی در شهر خلاق برگرفته از ارزش‌ها، عادت‌ها و روش‌های زیستی گروههای مختلف فرهنگی بوده که برای زیستن در محیط‌های خاص به کار گرفته می‌شوند. از طریق تجزیه و تحلیل باورها و عادات بومی گروههای فرهنگی می‌توان دریافت که چرا آداب استفاده از فضاهای عمومی متفاوت است. به منظور استقبال گروههای اجتماعی از فضاهای عمومی خلاق لازم است به چند نکته توجه شود:

- دین و آیین و اعتقادات و ارزشهای الهی و انسانی در فضاهای عمومی مشخص و نمایان باشد.
- تصویر مردم و تاریخ آنها در فضاهای عمومی قابل رویت باشد.
- دسترسی تمام گروههای اجتماعی با لگوهای درآمدی - مختلف در فضاهای عمومی مورد توجه قرار گیرد.
- با در نظر گرفتن محدوده‌های امن و برخوردار از فضای کافی برای هر فرد، تعامل اجتماعی گروههای مختلف حفظ شود.
- با توجه با تفاوت‌های موجود در روش استفاده گروهها و طبقات اجتماعی مختلف از این فضاهای شهری، حمایت از تنوع فرهنگی و اجتماعی الزامی است.
- به جهت ایجاد جاذبه بایستی این فضاها به طور مستمر مورد نوسازی و بازسازی قرار گیرد.
- به منظور ایجاد هویت جمعی و اشاعه فرهنگ، نمادهای اصیل فرهنگی و بومی مورد استفاده قرار گیرد.

چگونه می‌توان به شهرسازی خلاق دست یافت؟

شهرهای خلاق پتانسیل خلاقیتشان را در راه‌های مختلف به کار می‌گیرند، برخی شهرها به عنوان مکانی برای خلق تجربه‌های فرهنگی ساکنان و بازدیدکنندگان عمل می‌کنند. این کار از طریق نمایش و عرضه میراث فرهنگی یا از طریق فعالیت‌های فرهنگی در زمینه هنرهای نمایشی و تجسمی انجام می‌شود. برخی از شهرها جشنواره‌هایی برپا می‌کنند که به هویت کل شهر شکل می‌بخشد. برخی نیز به دنبال صنایع رسانه‌ای و فرهنگی گسترده‌تر هستند. در موارد دیگر، با نگرش به

ظرفیت های هنری و فرهنگی شهر، یک نقش ویژه و برتر برای عنصر فرهنگ در شهر قایل می شوند که بر این اساس کیفیت زندگی در شهر بهبود پیدا می کند (کی قبادی و دیگران، ۱۳۸۷، ۴۰-۳۷). از نظر بروسویک فرایند توسعه خلاقانه یک فضای شهری وقتی اتفاق می افتد که افرادی در شکل گیری آن اثر نقش داشته باشند که می خواهند از آن استفاده کنند. به این ترتیب چون تفکر جاری افراد آن اجتماع را در طراحی دخالت می دهیم، به نوعی از خلاقیت موجود در آن جامعه هم در این طراحی استفاده می کنیم. در همه حرفه های خلاقیت نقش مهمی دارد، خلاقیت باعث می شود بتوانیم از بن بست هایی که در شهرسازی دچار آن هستیم، رهایی یابیم. در هنرهای شهری مانند گرافیک، این گرایش ها را با وضوح بیشتری می بینیم؛ در شهرهایی مانند برازیلیا که لابراتوار گرافیک شهری یا مکزیکوسیتی که لابراتوار هنرهای تجسمی شهری است. در این شهرها، فضاهای خاصی در شهر به لابراتوارهای هنری تبدیل شده و هنرمندان آزادانه در آنجا نقاشی کشیده یا مجسمه می سازند. هنرمندان در این شهرها سعی می کنند، وارد شهرها شده و به معرض دید عموم درآیند، یا مثلاً نیواورلئان شهری است که موسیقی در آن به فرهنگ عمومی شهری تبدیل شده و به طور خاص پایتخت موسیقی جاز قلمداد می شود. بنابراین تبلور شهر نیواورلئان در سطح منطقه و کشور، در موسیقی به خصوص در موسیقی جاز است. همین باعث شد، تمام کسانی که به حوزه موسیقی جاز علاقه داشتند، به این شهر سرازیر شدند. به این ترتیب شما تمام پتانسیل های یک هنر خاص را در یک شهر جمع می کنید تا بتوانید موتور رشد یک شهر خلاق را را به حرکت درآوردید. کی قبادی و دیگران دستیابی به شهر خلاق را از چهار بعد بررسی کردند:

- ۱- زیرساختهای فرهنگی و هنری: شهرها جهت تبدیل شدن به شهر خلاق، به تحکیم و تقویت کالبد هنری و فرهنگی شهر مانند حمایت از هنر و هنرمندان و تقویت زیر ساخت ها نیاز مند هستند.
- ۲- حضور طبقه خلاق: "ریچارد فلوریدا" که مبدع مفهوم "طبقه خلاق" است نگاه خود را به نقش خلاق افراد در عصر خلاقیت سوق می دهد. وی معتقد است که هنرمندان هسته کانونی طبقه خلاق هستند. شهر های خلاق همیشه برای جذب و نگهداری شهروندان خلاق باهم رقابت می کنند.
- ۳- ترویج فرهنگ خلاقیت: خلاقیت کسانی که در شهر زندگی می کنند یا کسانی که امور شهر را بر عهده دارند متضمن موفقیت آن شهر در دنیای آینده است. با بزرگتر شدن شهرها و پیچیده تر شدن آنها، شهر ها به لابراتوارهای تولید انواع راه حل فناورانه، مفهومی و اجتماعی برای مسایل ناشی از رشد مبدل می شوند (لاندى^۱، ۲۰۰۰).
- ۴- اقتصاد خلاق: تقویت صنایع خلاق روز به روز مورد تاکید بیشتر مسئولان شهری قرار می گیرد، چرا که سکویی برای توسعه اقتصاد به شمار می رود. در کانون این دیدگاه سه عنصر کلیدی وجود دارد: میراث فرهنگی و هنری، رسانه و صنایع تفریحی و ارائه خدمات خلاق (کی قبادی و دیگران، ۱۳۸۷، ۴۰).

مشکلات و چالش های شکل گیری شهر های خلاق:

توجه به نکاتی که مانع شکل گیری شهرها و مناطق خلاق هستند و تلاش برای برطرف کردن آنها ضروری است. تعدادی از این موانع از این قرارند: اگرچه ممکن است شهرهای بزرگ استعداد های خلاق بی مانندی را در خود جای داده باشند، اما اگر در این محیط ها نابرابر یهای برجسته اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستولی شود، دستیابی به شهر خلاق به صورت صحیح امکان پذیر نمی باشد. به بیان دیگر برنامه های شکل گیری شهرها و مناطق خلاق، باید موضوعات اساسی شهروندی و دموکراسی را پوشش دهند (جی اسکات، ۲۰۰۰). همکاری همه سیاسی تهای اجتماعی در زندگی فعال شهری نه تنها برای دستیابی به اهداف اجتماعی بلکه برای برطرف کردن موانع قدرت خلاقیت شهروندان در مقیاس وسیع نیاز است. در مجموع هر فشاری برای دستیابی به خلاقیت شهری در نبود توجه ویژه نسبت به همراهی و اظهار تمایل در جامعه شهری (پذیرش و مشارکت اجتماعی) به طور کلی محکوم به ناتمام ماندن است (جی اسکات، ۲۰۰۰). در پایان باید گفت خلاقیت چیزی نیست

¹ landry

که به راحتی به همراه هرکدام کامپیوتری، تخته های اسکیت، شادیاها و ... به شهر وارد شود بلکه باید به صورت عضوی در میان مجموعه در ارتباط با تولیدات، کار و زندگی اجتماعی در ابعاد مختلف شهری، توسعه و گسترش یابد (ماسترد^۱، ۲۰۰۱).

بررسی نمونه های موردی:

ونکوور: شهر ونکوور به حمایت دیرینگام خود از فرهنگ، به عنوان یکی از عناصر مهم توسعه شهری، معروف است. متعهد بودن شهر به برنامه ریزی فرهنگی به دهه ۱۹۶۰ بازمی گردد که در قالب برنامه ریزی در زمینه اجتماعی انجام شد و به عنوان فلسفه اصلی برای تلاش ها در زمینه توسعه فرهنگی آن باقی ماند. ونکوور طرح ها و سیاست های فرهنگی گسترده ای دارد که شورایی (که اهداف فرهنگی را تصویب می کند) آن را تضمین آینده شهر: هدایت می کند این اهداف عبارتند از در قالب شهری خلاق، باز و قابل دستیابی برای هنرمندان، برای طیف گسترده تری از موضوعات فرهنگی و برای اهداف فرهنگی شهر که گسترده ترین مشارکت ممکن در سال ۱۹۸۷ در شورای شهر به تصویب رسیده است، توسعه کلی سیاست فرهنگی شهر را نیز هدایت می کند:

(الف) ارتقای سطح بالایی از خلاقیت و برتری در زندگی فرهنگی ونکوور.

(ب) ایجاد تنوع در زندگی هنری جامعه محلی، هر دو جامعه حرفه ای و غیرحرفه ای، جامعه سنتی و مبتکر، جامعه تثبیت شده و الهام بخش.

(ج) تشویق به کارآمدی مالی و مدیریتی در عملکرد سازما نهی فرهنگی.

(د) تضمین وجود تسهیلات لازم برای خلق و ارائه هنر در ونکوور.

(و) اطمینان از اینکه ساکنان شهر و بازدیدکنندگان از آن (شامل شهروندان مسن، جوانان، افراد کم درآمد، اعضای اقلیت های قومی و دیگر گروه های خاص) فرصت لذت بردن و مشارکت در فعالیت های فرهنگی را داشته باشند.

برای دستیابی به این اهداف، این شهر رویکردی جامع اما رشد یابنده در ارتباط با توسعه و برنامه ریزی فرهنگی را دنبال می کند. این موضوع به شهر کمک می کند تا ضمن بهره گیری از فرصتها، با استفاده از ابزار موجود به چالش های پیش روی نوآوری ها نیز پاسخ دهد. سازوکارهای به کار گرفته شده متفاوت و یکی از دیگری بر پایه دیگری ساخته شد هاند که نتیجه آن مجموعه ای از سیاست ها، طرحها، برنامه ها و عملکردهای بهم مرتبط هستند. در این رویکرد ونکوور دو اصل را مد نظر داشته است: یکپارچگی خواست های برنامه ریزی فرهنگی در همه فرایندهای برنامه ریزی شهری و همکاری با سازمان های فرهنگی غیرانتفاعی برای اشاعه و بهبود خدمات و فعالیت های فرهنگی و هنری در سطح شهر.

ونکوور طیف گسترده ای از حمایت ها و فرصت ها را برای دخیل کردن خلاقیت شهروندان خود و قدرت بخشی به توانایی جوامع فرهنگی برای فراهم آوردن خدمات فرهنگی برای ساکنان و بازدیدکنندگان، فراهم می آورد. حمایت چند وجهی از هنر و فرهنگ در بسیاری از کانال هایی که شهر ارائه میکند، بازتاب دارد. این موارد شامل برنامه، سیاست و کار برنامه ریزی دفتر امور فرهنگی و نیز خدمات، هماهنگی، سیاست ها و برنامه های ارائه شده از طریق طیفی از سایر دپارتمان ها و کمیته هاست. کارکنان امور فرهنگی در کلیه فرایندهای برنامه ریزی شهر شرکت دارند تا از برآورده شدن نیازهای فرهنگی و اجتماعی ساکنان فعلی و جدید شهر اطمینان حاصل شده و سرزندگی شهر تقویت شود. در توسعه محله های اصلی، این شهر برای ایجاد پیوند میان فرهنگ و همه طرحها، از همان ابتدای طرح و برای تضمین فراهم آوردن امکانات فرهنگی محله به مطلوب ترین شکل ممکن کار می کند. نتیجه این فعالیت ها و ابتکارات، توجه درخور به کیفیت طراحی شهری است. برنامه ریزان شهری، معماران، توسعه دهندگان و عموم مردم به این موضوع توجه دارند و این موضوع به شکل گیری مناسب محله های متراکم جدید در هسته مرکزی شهر و خیابان هایی با چشم انداز جذاب در سراسر شهر کمک می کند.

¹ Musturd

چالش های اصلی

- منابع انسانی و مالی برای جامعه ی در حال رشد با نیازهای متنوع محدود است.
- پیوندهای شهری با جوامع تجاری و بخش آموزش را می توان افزایش داد و پیوندها میان فرهنگ و بخش فناوری پیشرفته را نیز می توان تقویت کرد.
- حکومت های منطقه ای تمایل و مداخله بسیار اندکی در توسعه فرهنگ دارند. منطقه ونکوور بزرگ، شامل ۲۱ شهرداری، یک منطقه شهری انتخاباتی و یک منطقه شهری شراکتی است. گرچه شهرداری های منفرد در این منطقه در زمینه توسعه فرهنگی فعال بوده اند اما کمبود موسسان منطقه ای رسمی، موجب محدودیت یکپارچگی و برنامه ریزی در سطح منطقه ای شده است. کمیته بین شهرداری، نشست های منظمی دارند که شرکت کنندگان در آن از توسعه های رخ داده در سایر شهرداری ها مطلع می شوند امکان شک لگیری برخی پروژه ها بین شهرداری ها فراهم می آید.
- سطح پایین پشتیبانی از فرهنگ در مقابل سایر حکومت های ایالت بریتیش کلمبیا؛ یعنی ضمن آنکه کیفیت سازمان های خلاق در این شهر بسیار بالاست اما این سازمان ها منابع کافی در اختیار نداشته و زیرساخت های سازمانی آنها آسیب پذیر است.
- افزایش در هزینه های املاک، استطاعت مالی و هزینه های زندگی را مبدل به مسئله ای در حال رشد کرده، ضمن آنکه دسترسی به فضای آتلیه با قیمتی مناسب نیز دشوار است. این موضوع، جذب و حفظ هنرمندان و سایر استعدادهای خلاق در شهر را دشوارتر کرده است.

تورنتو: شهر تورنتو و بسیاری از شهرداریهای نواحی، به مدتی طولانی و با رویکردها، راهبردها، ابزار و برنامه های متنوعی، در توسعه فرهنگی دخیل بودند. در فوریه سال ۲۰۰۰ میلادی پس از یکپارچه شدن این نواحی در قالب کلانشهر تورنتو، شورای شهر، هدایت بخش فرهنگی جدید را برای تهیه طرحی فرهنگی برای کمک به توسعه فرهنگی شهر در ۱۰ سال آینده بر عهده گرفت. این شورا دو هدف اصلی برای طرح فرهنگی در نظر گرفت: اول تعریف جایگاهی برای تورنتو به عنوان پایتخت فرهنگی بین المللی و دوم تعریف نقش هنر در توسعه فرهنگ شهر. در آوریل سال ۲۰۰۱ میلادی سند کاری اولیه ای با عنوان "شهر خلاق" به عنوان چارچوبی برای بحث و بررسی به شورای شهر تسلیم شد که در آن به نیاز تورنتو برای استفاده از هنر، فرهنگ و دارایی های میراثی به منظور قرارگیری در جایگاه شهری خلاق که می تواند پایتخت فرهنگی بین المللی باشد، پرداخته بود. این سند با دوره ای از مشاوره جامعه محلی همراه شد. در نوامبر سال ۲۰۰۲ میلادی، شورا طرح رسمی ۳۰ ساله دیگری تنظیم کرد که مطابق با اهداف آن، هنر، فرهنگ و میراث برای جذب و حفظ تازه واردان تحصیل کرده و فعال به شهر کمک کرده و اقتصاد این شهر را به یکی از قویترین ها در دنیا بدل می کرد. ایده این طرح تبدیل هنر، فرهنگ و میراث به قلب و روح آینده تورنتو بود. در ژوئن سال ۲۰۰۳، "طرح فرهنگی برای شهر خلاق" تکمیل شده و به تصویب رسید. طرح فرهنگی برای شهر خلاق، اشکال کلی شهر خلاق را توصیف می کند، خطوط اصلی چالش های چندوجهی که با آن روبرو هستیم را ترسیم کرده و به موقعیت رقابتی شهر در مقابل سایر شهرها در کانادا و در سطح بین المللی اشاره دارد که همگی در پی کارکنان مطلع و البته نکته سنج در کیفیت زندگی مکانی که در آن زندگی می کنند، هستند. این طرح سرفصل های نقاط قوت و ضعف تورنتو را مطرح کرده و اقداماتی را برای تقویت دارایی ها و رفع مشکلات ارائه می کند. تأکید بر سطح بالاتر سرمایه گذاری در این طرح شاخص است. مولفه های اصلی دخیل شدن فعلی شهر در توسعه فرهنگی تشریح شده و طیف وسیعی از پیشنهادها برای فعالیت های بیشتر چه کوچک و چه بزرگ تنظیم شده است. این موارد بر پایه عملکردهای جاری بنا شده و به نیازهای در حال ظهور برنامه ریزی و جوامع محلی پرداخته و ایده های جدید معرفی کرده است. این طرح بر ابعاد هنری، فرهنگی و میراثی شهر، در زمین های وسیع تر از تنوع فرهنگی این شهر توجه داشته و خلاقیت را در مفهوم گسترده تری مورد بررسی قرار می دهد. مطابق این طرح، لازم است هر طرحی در ابتدا به حمایت و تقویت از زندگی کاری افراد خلاق بپردازد؛ زیرا که آنها قلب تجربه فرهنگ در تورنتو هستند. همچنین در این طرح، در بوم شناسی فرهنگ در شهر

تورنتو، ارتباطات بسیاری میان هنرهای غیرانتفاعی و تجاری مورد شناسایی قرار گرفته است و تبادل دو طرفه ای برای جابجایی استعداد ها میان این دو ادامه دارد. تمرکز اولیه شهر در این طرح بر بخش غیرانتفاعی و توانایی آن برای خدمت رسانی به جامعه ای بزرگتر است. در سراسر این طرح، ایجاد شراکت میان بخش فرهنگی، تجارت و سازمان های جوامع محلی برای تحقق پیشنهادهای طرح، مورد تأکید قرار گرفته است. به طور همزمان، توجه خاص و جه نگیری منابع ویژه به سوی پروژه های بزرگ، نگرانی جوامع فرهنگی شهر را که استفاده از منابع کمیاب به این روش را مورد سؤال قرار م ی دهند، برانگیخته و اولویت ها و چالش های مختلفی را در کل جامعه ایجاد کرده است.

چالش های اصلی:

- کسریها در همه سطوح حکومت در سال ۱۹۹۰ منجر به حذف حمایت ها و نیز درگیری سازمان ها برای توسعه به منظور خدمات رسانی به جوامع در حال رشد شد. انباشت کسری و کمبود جدی سرمایه کار از این شرایط ناشی شده و سازمان های فرهنگی در هر اندازه ای آسیب پذیر ظاهر شدند.
- ناتوانی برای تأمین پول کافی به منظور حفظ موسسات فرهنگی شناخته شده در سطح بین المللی که نیازمند منابع بیشتری برای حمایت عملکردهای روبه رشد آنهاست.
- منابع محدودی برای نگهداری از دارایی های فیزیکی و میراثی وجود دارد. امکاناتی که شهر مالک آن است و مواردی که بر روی آنها سرمایه گذاری کرده است، معمولاً در شرایط فیزیکی ضعیفی هستند. امکانات غیرانتفاعی که چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم مورد حمایت این شهر قرار دارند، با توقف های جدی در نگهداری روبرو هستند.
- شهرهای رقیب در اروپا و ایالات متحده و سطوح بالای حکومتی آنها به شکلی فعال در حال سرمایه گذاری روی دارایی های فرهنگی خود هستند.
- مطالعه ای که در ماه می سال ۲۰۰۲ انجام شد، نشان داد که تورنتو تنها شهر بزرگ در امریکای شمالی است که از سال ۱۹۹۶ با افت گردشگری روبرو بوده و بسیاری، داشته های فرهنگی این شهر را کهنه و فاقد طراوت می دانند.
- معرفی و پیوند دادن جوامع محلی متنوع با نهادهای فرهنگی اصلی به عنوان چالشی باقی مانده که رفع آن نیازمند ظرفیت سازی، به کارگیری افراد داوطلب و بهم تافتن مهاجران با جامعه محلی است.
- منابع محدود برای موزه های شهر به منظور توسعه یا اکتساب نمایشگاه ها و برنامه هایی است که بر غنای فرهنگی و جوامع گوناگون اثرگذار است.
- دسترسی و هزینه پذیرش در مراکز و فعالیت های فرهنگی.
- در دسترس بودن محل هایی برای سازمان های هنرهای جوامع محلی.

طرح فرهنگی تورنتو جهت دستیابی به شهری خلاق به شرح زیر می باشد:

- سطح سرمایه گذاری مالی و بازگشت آن.
- تعداد مشاغل ایجاد شده در بخش فرهنگی و اثر بخش فرهنگی بر تولید ناخالص داخلی تورنتو.
- رتبه بندی براساس شاخص های خلاقیت ریچارد فلوریدا.
- برنامه های تنظیم شده برای جوانان که شهر آنها را تأمین مالی می کند.
- سطح تولید فیلم و برنامه های تلویزیونی.
- تعداد سازما نهای هنری جدید تأسیس شده.
- تعداد بازدیدکنندگان از شهر تورنتو.
- تعداد دارایی های میراثی و فرهنگی مشخص و فهرست برداری شده.

نتیجه گیری:

شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت ها است. شهر خلاق منزلی برای خلاقیت های هنری، نوآوری های علمی و فناوریانه و صدای رسای فرهنگ های رو به رشد است. شهری که همه پتانسیل های خلاق خود را جامه ی عمل می پوشاند و پرچم دار فعالیت های فرهنگی و هنری است. شهر خلاق، یک شهر نیرومند از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود، اطمینان خاطر دارد. استراتژی شهر خلاق همکاری و تعامل در درون ارکان سیستم مدیریت شهری برای پرورش نوآوری در تمام اجزای سیاست ها، برنامه ها و خدمات است بطوریکه ایده های فنی، فرهنگی و هنری اجازه رشد و نمو دارند و با دیدگاه های بسته مورد هجوم قرار نمی گیرند. استراتژی شهر خلاق ایفای یک نقش رهبری در بین تمام اجزای سیستم شهری است و طوری جهت گیری شده است تا در پیدا کردن روش های کارآمد برای ایجاد یک محیط همکاری و تعامل و دعوت از شهروندان برای مشارکت در فعالیت های فرهنگی باشد. شهرهای خلاق در یکی از هفت زمینه ادبیات، موسیقی، مهارت و هنر فولک، سینما، هنرهای رسانه ای، تغذیه و طراحی با توجه به توان و اولویت خود دسته بندی می شوند. شهر های خلاق پتانسیل خلاقیتشان را در راه های مختلف به کار می گیرند، برخی شهر ها به عنوان مکانی برای خلق تجربه های فرهنگی ساکنان و بازدید کنندگان عمل می کنند. این کار از طریق نمایش و عرضه میراث فرهنگی یا از طریق فعالیت های فرهنگی در زمینه هنر های نمایشی و تجسمی انجام می شود. برخی از شهرها جشنواره هایی برپا می کنند که به هویت کل شهر شکل می بخشد. برخی نیز به دنبال صنایع رسانه ای و فرهنگی گسترده تر هستند. در موارد دیگر، با نگرش به ظرفیت های هنری و فرهنگی شهر، یک نقش ویژه و برتر برای عنصر فرهنگ در شهر قایل می شوند که بر این اساس کیفیت زندگی در شهر بهبود پیدا می کند یکی از راه های ایجاد شهر خلاق که می تواند تا حدود زیادی به شهر روح و نشاط ببخشد، ورود هنر به فضاهای شهری است. هنر در شهر به عنوان یکی از ضرورت های آموزشی مطرح است و خلاقیت به عنوان یک مهارت ارزشمند در عصر اطلاعات به رسمیت شناخته می شود و هنر نه تنها به دلیل نقش مهمش در اقتصاد بلکه به علت منافع معنوی، فکری و اجتماعی خود با ارزش محسوب می شود. در یک نتیجه گیری کلی می توان اذعان نمود که نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی در جامعه ایران با توجه به پتانسیل های موجود و ساختار در حال گذار آن، از رهیافت آموزش با شیوه های مختلف قابل دستیابی است. از طرف دیگر هنگامی افراد جامعه فرهنگ شهروندی را درونی می نمایند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آنها را از نزدیک لمس کرده باشند. در این صورت است که حاضرند بسیاری از خواسته ها و آزادیهای خود را محدود نمایند تا دیگر شهروندان بر راحتی زندگی کنند؛ بنابراین تقویت دیگر خواهی و آموزش آن، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ شهروندی خواهد داشت.

منابع:

۱. ابراهیمی، مهرا. (۱۳۸۷). نشست شهر خلاق: مفاهیم، سیاست ها، مطالعه موردی از شهرهای موفق و ناموفق، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. فرهنگسرای نیاوران. تهران.
۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). سیر اندیشه ها در شهرسازی ۱، تهران. شرکت عمران شهرهای جدید.
۳. داکسبری، نانس. (۱۳۸۹). شهرهای خلاق کانادا. ترجمه: فرزین پاک، شهرزاد. شهرداریها. (۱۰۰). ۷۶-۸۴.
۴. رفیعیان، محسن. (۱۳۸۹). در آمدی بر مناطق و شهرهای خلاق. شهرداریها. (۱۰۰): ۱۵-۱۲.
۵. ستالو، دانا تاپلین و سوزان شلد. (۱۳۹۰). نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای عمومی. تهران. سازمان فناوری و ارتباطات شهرداری.
۶. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری. تهران. نشر نی.
۷. کی قبادی، مرضیه. فخرایی، مرضیه. سیده سارا وزواری، سید عبدالمجید. (۱۳۸۷). شناخت صنعت فرهنگی. قم. نشر آصف.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.

۹. لوکوروبوزیه (۱۳۵۴). چگونه به مسائل شهرسازی بیندیشیم؟ ترجمه محمدتقی کاتبی. تهران. نشر سپهر.
۱۰. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر، ترجمه ی سید حسین بحرینی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. هلتری هال، ویلیام. (۱۳۶۳)، تاریخ و فلسفه ی علم، ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر سروش.
12. Florida, R. (1996). Regional Creative Destruction: Production Organization, Globalization, and the Economic Transformation of the Midwest, *Economic Geography*, Vol.72, No.3. (July)
13. Knight, V. R. (2005), Knowledge-based Development: Policy and Planning Implications for Cities. *Urban Studies*, Vol. 32, No. 2.
14. Landry, C. & Sterling, V. (2006). *The Art of City- Making*. London: Earth Scan.
15. Landry, C. (2000). *The Creative City: A toolkit for Urban Innovators*. London: Earth Scan.
16. Landry, C. (2006) 'Lineages of the Creative City', *Research Journal for Creative Cities* 1(1):15-23.
17. Musturd, S. (2001) "Amsterdam as Creative Cultural Knowledge City: Some Conditions.
18. Musturd, S. (2001). Amsterdam as Creative Cultural Knowledge City: Some Conditions, *Built, environment*, VOL. 30, NO.3.
19. Scott, A. J. (2006). Creative Cities: Conceptual Issues and Policy Questions, *Journal of Urban Affairs*, Vol. 28, No. 1, P. 1-17.
20. UNESCO (2007) "Creative Cities Network".
21. Lefebvre, H. (1968), *Le Droit à la ville*, Paris: Anthropos (2nd ed.) Paris: Ed. du Seuil, Collection Points.
22. Paquot, T. (2009), "Redécouvrir Henri Lefebvre", *Rue Descartes*, 1: 63, p. 8-16.

The Role of Culture and Art in the Creative City (Case Study: Vancouver and Toronto Cities)

Mohammad Nouri Kardar¹, Hamed Rahimi², Somayeh Fathi³

1. *Master of Urban Planning, Islamic Azad University, Qazvin Branch*

2. *PhD student in Municipal Engineering, Islamic Azad University, Tabriz Branch*

3. *PhD student in Municipal Engineering, Iran University of Science and Technology*

Abstract

Culture and art, shape, and morphology create a creative city and different cultures create different arts. The relationship between culture and art with the creative city is that, Culture of a society reveals the type of art, And the art of that community reveals the kind of creativity and technique and the type of technique and creativity reveals the construction and the physical system of that city. UNESCO's Creative Cities Network launched in 2004 to promote social, economic, and cultural development in the cities of the world which is based on its cultural and artistic heritage and the creativity of every city. UNESCO has set seven priorities for creative cities: literature, music, folk art, cinema, media, nutrition and design. The creative city can also be explored from four dimensions: cultural and artistic infrastructure, the promotion of creativity, the presence of a creative classroom and creative economy. In the following, the two creative cities of Toronto and Vancouver in Canada, have been studied culturally and artistically and all the plans, plans, policies, challenges, strategies and activities undertaken by local and urban managers as well as citizens to turn these cities into a creative and dynamic city and the capital of culture and art internationally were discussed. The research method in this paper is a library and reviewing specialized texts and the most used resources were specialized books and journals, and related topics and global communication networks.

Keywords: Creative, Culture, Art, City
